

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر سید مختار دریا

۱۵ سپتمبر ۲۰۱۸



زبان اشک

شهر پر خاطره ها
شهر رویای خیال انگیزم
که به هر کوچه آن
زیر هر خشت و گلش
نفسی پر ز رمقهای حیاتم دفن است
کوچه های تنگش
سقف هر دالانش
که به روی دل هر دخمه تاریک و خموش
چو لحد سنگ نگهدار غمین اسراری است
شور ایام جوانی و نشاط
در دل هر خم و پیچش خفته
با صدائی که از آن حنجره پر زخمش
نغمه آمدنم را می خواند
ساز بشکسته آن محفل بی آرایش او
تار ها از رگ جانش دارد

لرزش هر رگ ساز دل پر درد همان کوچه گک تنگ و کمی طولانی
نغمه تازه به آهنگ و مقامی پرسوز
شاید آن طرز عراقی به مقام شهناز
خبر آمدنم را می داد
کوچه پر نور و چراغ سر دالان روشن
کف آن کوچه که آب پاشی و جارو (جاروب) شده است
دل من دق دق و دگ دگ می کرد
لیلی آن دختر همسایه پهلویی ما
با همان پیراهن چیت گل شفتالو
به سرش چادر خوشرنگ قنایزش را
با دو سه پیچ که آن چوتی موهایش را
یک کمی پوشانده
دم در منتظر و ایستاده
چند سالی ست گل لبخندش
ز لبش به رخ کس باز نبود
لیک امروز همان گوشه چشم و لبخند
با نگاه های پر از شادی و شوق
به رحم برگ گل خاطره را می پاشید
جمله کوتاهی از لبش زمزمه گویانه پرید
سرخي شرم ز گونه هایش
راه گفتار بیست و سرخود پائین کرد
قطره اشک ز چشمش سر زد
پیش پایش افتاد
با گلوئی که پراز شوق صدا تنگ شده
گفت...خوش آمدی

"مختار دریا" ۲۲ سپتمبر ۲۰۱۵ کانادا